معرفی اسلام شناسان غربی: ویلیام مونتگمری وات

 WILLIAM MONTGOMERY WATT - مترجم: مهدی شوشتری

هدف از این بخش، معرفی صاحبنظرانی است که در حال حاضر، در غرب در زمینه مسائل اسلام معاصر قلمفرسایی می نمایند. (1)

ویلیام مونتگمری وات اسلام شناس معاصر و استاد بازنشسته مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه ادینبورگ، در سال 1909 میلادی در اسکاتلند متولد شد و تحصیلات خود را تا دوره دکترای فلسفه پی گرفت و رساله دکترایش را درباره «جبر و اختیار در آغاز اسلام » گذرانید. وی مدت چهار سال به تدریس فلسفه در دانشگاه اشتغال داشت. وی سپس به مطالعات بیشتری درباره اسلام گرایید و به عنوان یکی از دستیاران اسقف آنگلیکن (وابسته به کلیسای پروتستان انگلیس) در بیت المقدس به پژوهش پرداخت. مونتگمری وات در سال 1947 به سمت «رئیس بخش مطالعات عربی و اسلامی » در دانشگاه ادینبورگ برگزیده شد و سالها این سمت را حفظ کرد و در اوایل دهه 1980 به بازنشستگی نایل آمد.

آثار

از مونتگمری وات آثار متعددی بر محور «اسلام شناسی » باقی مانده است که می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. [حضرت] محمد (ص) در مکه (1953)

[Muhammad at Mecca]

2. [حضرت] محمد (ص) در مدینه (1956)

[Muhammad at Medina]

3. ایمان و عمل غزالی (1953)

[The Faith andPractice of al - Ghazali]

4. [حضرت] محمد، پیامبر و سیاستمدار (1964)

[Muhammad: Prophet and Statesman]

5. تاریخ اسپانیای اسلامی (1965)

[History at Islamic Spain]

6. اندیشه سیاسی اسلام (1968)

[Islamic Political Thought]

7. تاثیر اسلام بر اروپا در قرون وسطی (1972)

[Influence of Islam on Medival Europe]

8. دوره شکل گیری اندیشه اسلامی (1973)

[The Formative Period of Islamic Thought]

9. اسلام و مسیحیت امروزی (1984)

[Islam and Christianity Today]

10. فلسفه و الهیات اسلامی (1987)

[Islamic Philosophy andTheology]

11. مکه [حضرت] محمد: تاریخ از قرآن (1988)

[Muhammad|s Mecca : History from the Qur|an]

12. بنیادگرایی اسلام و نوگرایی (1988)

[Islamic Fundamentalism and Modernity]

13. اسلام نخستین (1991)، [Early Islam]

14. برخورد اسلام و مسیحیت (1991)(این کتاب در سال 1373 توسط آقای محمدحسین مخبر ترجمه و از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است.) [Muslim - Christian Encounter]

15. «نامش احمد است،» دنیای مسلمان، شماره 63، 1953. Muslim World

16. «مفاهیم اسلامی جنگ مقدس،» در کتاب جنگ مقدس، ویراستار توماس پاتریک مورفی، 1976. ["Islamic Conceptions of the Holy War" in TheHoly War, edited by Thomas Patric Murphy , 1976]

نظرات

به اعتقاد مونتگمری وات، اسلام دینی است توحیدی که بر پایه وحی الهی به پیامبر واحد استوار است و به نظر می رسد که قرآن نیز می پذیرد دیگر ادیان [خصوصا یهودیت و مسیحیت] هم بر پایه وحی الهی و بر پیامبر واحد بودند. (2)

به عقیده وات، هر چند قرآن به صراحت از ادیان یهودی و مسیحی سخن می گوید و پیامبرانشان را پیامبران الهی می خواند، در میان مسلمانان سنتی، این عقیده وجود دارد که کتب مقدس (تورات و انجیل) تحریف شده اند و این عقیده بدون شک به این نقطه نظر کمک کرده است که غرب از نظر اخلاقی فاسد می باشد و اینکه تنها اسلام دین حقیقی است و هیچ دین و مذهبی، خارج از اسلام، راستین نمی باشد. (3)

مونتگمری وات معتقد است بازگشت به اسلام از ویژگیهای مهم دو دهه اخیر است. این احیا دارای خصلت بنیادگرایی و یا سنت گرایی است. بنیادگرایی اسلامی با سنت گرایی مسیحیت که اساسا پدیده ای پروتستانی است، شباهت ندارد; «انتگریسم »Integrism (نوعی اصطلاح خاص کاتولیکها است که هرگونه تحول و تکامل را رد می کند، نیز می تواند نظریه کسانی به شمار آید که دولت را به اطاعت از مذهب فرا می خوانند.) یا تمامیت طلبی نزدیکترین اصطلاح زبان فرانسه و کاتولیک رومی به احیای اسلامی است، اما مفهوم آنها باز هم اندکی با هم متفاوت است.

به نظر می رسد یکی از عوامل مهم و نهفته در شالوده احیای اسلامی، رواج این احساس در میان مسلمانان عادی بوده که فکر می کردند هویت اسلامیشان به مخاطره افتاده [است]. جهت یا بعد مذهبی هم در این احیا سهمی ایفا کرده [است]. احتمالا بسیاری از مسلمانان عادی از تفصیلات انتقاد دینی مسیحیان بر اسلام آگاهی نداشتند، اما بسیاری از آنان می دانستند که مسیحیان غربی اکثر عقاید اسلامی را رد می کنند و اسلام را یک دین راستین نمی شمارند و می پندارند از مسیحیت عقبتر است. گذشته از انتقاد مسیحیان نسبت به اسلام، می دانیم بعد از «عصر روشنگری »، رگه های ضد مذهبی در تفکر اروپایی پیدا شد و اسلام را قرون وسطایی، کهنه و فاقد ارزش تلقی کرد. (4)

به اعتقاد وات، یکی از جنبه های احیای اسلامی، طرد رسوم معین و پذیرفته شده از غرب است - نه ربا، نه مشروب و نه لباس غربی برای زنان. به هر حال، نباید چنین مواردی را اساسا ضد غربی یا ضد مسیحی تلقی کرد، بلکه باید آن را هواخواهی از مسلمانان دانست. مسلمین در احیای اسلامی، احتمالا از ضمیر ناخودآگاه، اصرار دارند با آنان، از نظر انسانی و مذهبی، چنان رفتار شود که با غربیان و مسیحیان رفتار می شود. وصول به این خواسته، دشوار است; زیرا مسیحیان فکر می کنند مذهبشان از مذاهب دیگر برتر است. (البته مسلمانان نیز به برتری مذهب خود اعتقاد دارند.) (5)

وی معتقد است، اگر مسلمانان خواهان آنند که نقش فعالی در آینده جهان ایفا کنند - که البته آنها قادر به این کار هستند - باید دیدگاه جدیدی نسبت به دیگر ادیان اتخاذ نمایند. این دیدگاه درخصوص دیگر ادیان، باید همچنین به دیگر جنبه های فرهنگ بشری که مرتبط با دین است نیز گسترش یابد. (6)

به نظر وات، به رغم قوت بنیادگرایی در چارچوبه احیای اسلامی، در میان برخی از گروههای مسلمان، علائمی از حرکت به سوی گفت و شنود با سایر ادیان و بالاخص با مسیحیت دیده می شود. بنیادگرایان نمی توانند بدون به خطر افکندن اعتقادشان به برتری و خاتمیت اسلام، در این تبادل نظر شرکت کنند و آنان مایل نیستند این خطر را بپذیرند. در میان «لیبرالها» غالبا برای تبادل نظر، سعه صدر مشاهده می شود; ولی بسیاری از آنان اساسا به تجدید تفکر در جنبه های خود - تصویری سنتی از اسلام - علاقه مند هستند (و فقط آن را صحیح می دانند) و فرصت چندانی برای تامل در باب مناسبات مسلمانان و مسیحیان اختصاص نمی دهند. (7)

به اعتقاد وی، شاید برخی از مسیحیان احساس کنند، شرکت در گفت و گو به معنای سرپیچی از حکم مسیح است که گفته جمیع خلایق را به انجیل موعظه کنید. ای بسا بعضی از مسلمانان نیز چنین احساسی داشته باشند که مبنای درستی ندارد. در تبادل نظر، هر طرف، مذهب دیگری را تصدیق می کند و شرکت در گفت و گو، در واقع اعلام این تصدیق است. (8)

پی نوشت ها:

1. «اسلام شناسی و اسلام شناسان در جهان »، ویژه نامه مرکز اطلاع رسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تیر 1377.

2. William Montgomery Watt, Islamic Fundamentalism andModernity, London and New York: Routledge, 1988, p. 117.

3. Ibid, p. 118.

4. ویلیام مونتگمری وات، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، تفاهمات و سوء تفاهمات، ترجمه محمدحسین آریا، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1373، صص 201-200.

5. همان، ص 208.

6. William Montgomary Watt, op. cit, p. 122.

7. ویلیام مونتگمری وات، منبع پیشین، ص 210.

8. همان، ص 243.